

## بررسی روابط استراتژیک اسرائیل و جمهوری آذربایجان در چارچوب مناقشه قره باغ کوهستانی

G/سرویس آذربایجان

پدید آورندگان :

دکتر عبدالرضا فرجی راد :استادیارژنوپلتیک‌دانشگاه آزاد اسلامی تهران

محمد درخور:دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران

سید هادی ساداتی:کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ایدانشگاه علامه طباطبائی تهران

بررسی روابط استراتژیک اسرائیل و جمهوری آذربایجان در چارچوب مناقشه قره باغ کوهستانی

چکیده

جمهوری آذربایجان یکی از کشورهای تازه استقلال یافته در منطقه قفقاز می باشد. این جمهوری در یک دوره کوتاه بین فروپاشی نظام تزاری و روی کار آمدن بلشویک ها در سرزمین های امپراطوری تزاری دارای استقلال بوده است. این استقلال پایه و اساس تشکیل ناسیونالیسمی شد که در دهه های بعد به بحران سازترین عامل در منطقه قفقاز بدل گردید. ناسیونالیسم زبان محور، عنصر بارز تشکیل دهنده تعریف هویت در آذربایجان گردید، هویتی که به دلیل سنخیت مشترک نژادی و زبانی با مردم ساکن در ماورای مرزهای سیاسی آذربایجان عامل تنش و مسبب بروز اندیشه آذربایجان بزرگ شده است و این در حالی است که تنها هشت میلیون آذری در جمهوری آذربایجان سکنی دارند.

همین اختلافات نژادی و زبانی به همراه تفاوت در مذهب منجر به بروز ریشه دارترین اختلاف مرزی بین دو کشور ارمنستان و آذربایجان در موضوع قره باغ کوهستانی گردیده است. این اختلاف به دنبال سیاست های تقسیم نژادی شوروی - معروف به (هر قوم یک جمهوری) - بروز کرد واکثر جمهوری های شوروی سابق دارای چنین اختلافاتی هستند.

جمهوری آذربایجان هیچ گاه از حق حاکمیت خود نسبت به این منطقه در قبال تصرف آن توسط ارمنستان عدول ننموده است و هم اکنون نیز حالت صلح مسلح و شکننده بین دو کشور حاکم است که در پاره ای از مواقع درگیری های کوچکی بین دو طرف نیز رخ می دهد. آذربایجان در تحلیل شرایط سیاسی منطقه منافع خود را درگروی نزدیکی به غرب می داند، به همین واسطه اسرائیل که یکی از اقطار بلوک غرب محسوب می شود به بازیگری قابل ذکر در عرصه سیاست در جمهوری آذربایجان تبدیل شده است. این تعمیق رابطه در زمانی کوتاه، نشان از اهمیت این رابطه برای دو طرف دارد. آذربایجان علاوه بر مسائل اقتصادی رایج بین کشورها از ایجاد رابطه با اسرائیل به دنبال امری برای نیل به اهدافش در مناقشه قره باغ کوهستانی است.

**واژگان کلیدی:** آذربایجان، اسرائیل، قفقاز، ارمنستان، مناقشه قره باغ، ایران، ایالات متحده

مقدمه

مناقشه قره باغ بحرانی است که در منطقه قفقاز جنوبی وجود دارد. این بحران ریشه در سکونت اقلیتی ارمنی در منطقه ای مسلمان نشین، با قومیتی متفاوت از اکثریت آذری منطقه دارد و باعث ایجاد اختلاف و در نهایت جنگی شد که مرزهای بین المللی را در منطقه دستخوش تغییر نمود که قطعاً در آینده نیز این تغییرات پایدار نخواهد ماند.

جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از طرفین این درگیری، 20 درصد خاک کشورش را در این درگیری ها از دست داد، البته آمارها نسبت به میزان این اشغال متفاوت است(ICG,2005). از طرف دیگر ارمنستان مدعی است که آذربایجان می بایست به سیاست اشغال مناطق قره باغ کوهستانی پایان بخشد. آذربایجان همزمان مدعی است که ارمنستان نسبت به مسلمانان ساکن در کشورش و مناطق اشغال شده اقدامات ضد حقوق بشری انجام می دهد و دست به تخریب امکان مذهبی زده است. ادبیات رایج در مناسبات دیپلماتیک و تبلیغات داخلی صورت گرفته از جانب طرفین بحران را به سمت پیچیده تر شدن هر چه بیشتر سوق داده است. مسئله ای که در ادبیات رایج مردم جبهه گیری هایی حتی تندتر از رهبران سیاسی را ایجاد نموده است.

در این بین هر یک از طرفین حداکثر تلاش دیپلماتیک خود را برای ایجاد یک دیپلماسی فعال برای رسیدن به اهداف خود در پیش گرفته اند که منجر به جبهه گیری های متفاوتی در عرصه بین المللی گردیده و هر کدام به دنبال متحدانی برای افزایش قدرت خود هستند.

در چنین شرایطی آذربایجان با در پیش گیری سیاست نزدیکی به غرب درصدد است تا با استفاده از پتانسیل های ایجاد شده از این رابطه به اهداف خود که در صدر آن حل بحران قره باغ است نائل شود و این اهداف شامل حفظ تمامیت ارضی، بازپس گیری مناطق اشغالی، توسعه اقتصادی و افزایش درآمد ملی به همراه رفاه اجتماعی و افزایش جایگاه کشور در مناسبات منطقه ای است.

در چهارچوب این استراتژی، آذربایجان؛ اسرائیل را که متحد غرب و از نفوذ زیادی در این جبهه برخوردار است مورد توجه ویژه قرار داده است و این در حالی است که آذربایجان نیز در چارچوب دکترین بن گوین نخست وزیر سابق اسرائیل مبنی بر اتحاد با کشورهای مسلمان غیرعرب منطقه مورد توجه اسرائیل بوده است و در کنار این موضوع وجود مرز مشترک با ایران، اسرائیل را نیزعلاقه مند به ایجاد رابطه با آذربایجان نموده است.

آذربایجان مجموعه ای از اهداف را از خلال رابطه با اسرائیل جستجو می کند که شامل اهداف سیاسی و اقتصادی می گردد که آنها را می توان در چارچوب استراتژی آذربایجان در قره باغ مورد تحلیل قرار داد.

در این پژوهش سعی می گردد تا اهداف فوق مورد کنکاش قرار گرفته و با توجه به چارچوب نگارش تحقیق ابتدا به اهداف سیاسی پرداخته و سپس به مناسبات اقتصادی که در چهارچوب استراتژی آذربایجان در قره باغ قرار دارد، مورد تحلیل قرار داده می شود.

روش تحقیق

این مقاله با روش توصیفی تحلیلی، اهداف آذربایجان و پتانسیل های ایجاد شده از رابطه دو کشور که جایگاه اسرائیل در سیاست خارجی آذربایجان را شکل می دهد مورد بررسی قرار می دهد. سوال اصلی تحقیق بر این پرسش استوار است که " آذربایجان از ایجاد رابطه با اسرائیل به دنبال چه منافعی در تحقق اهدافش در مناقشه قره باغ است؟"

الف) استفاده از لابی یهودیان

آذربایجان در ایجاد رابطه با اسرائیل به دنبال استفاده از لابی یهودیان اسرائیل در آمریکا است چرا که ارمنستان دارای یک لابی با 50 عضو در کنگره آمریکا است.(Cornell, 2000: 392-394) قطعاً حضور چنین لابی، متناقض اهداف آذربایجان در نزدیکی با غرب و به ویژه آمریکا است. این مسئله که چرا آذربایجان خود را شدیداً نیازمند حمایت آمریکا در مجامع بین المللی می داند به حمایت روسیه که دارای نفوذ در مجامع بین المللی است از مواضع ارمنستان مربوط می گردد.

اما تحلیل ها نشان می دهد که لابی ارمنستان در ایالات متحده یک لابی ضعیف است چرا که این لابی در دستیابی به سه هدف اصلی خود یعنی شناسایی نسل کشی ارامنه، جلوگیری از حمایت آمریکا از آذربایجان در تحولات بازار انرژی و امضای نسل کشی موفقیت قابل توجهی نداشته است.(www. KEGHART. Com)

با توجه به مناسبات استراتژیک روسیه &ndash؛ ارمنستان و حضور گروه های فشار ارمنی در روسیه قطعاً پشتیبانی لابی یهودیان در آمریکا عامل خنثی کننده مهمی برای آذربایجان در مقابل فشارهای احتمالی روسیه است.

جمهوری آذربایجان با توجه به رابطه استراتژیک بین آمریکا و ترکیه و از طرف دیگر اسرائیل و ترکیه تلاش می کند با کسب پشتیبانی لابی یهودیان که قطعاً بی تأثیر بر رابطه آذربایجان علی الخصوص با ترکیه نیست؛ از انزوای ژئوپلیتیکی که به واسطه حمایت قطعی روسیه از ارمنستان و بی طرفی گرجستان ایجاد شده است با حضور فعال ترکیه و حمایت از مواضع آذری ها خارج گردد. (ب) نزدیکی به غرب

جمهوری آذربایجان تلاش می کند از طریق تقویت رابطه خود با اسرائیل به بلوک غرب نزدیک تر گردد. آذربایجان پس از فروپاشی شوروی و با توجه به رویدادهای پیش آمده در منطقه نزدیکی به غرب را بستر استراتژی بلند مدت خود قرار داد و این مسئله به روشنی در جبهه گیری های این کشور در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر مشاهده می شود (طرزجانی، 1379: 64-37) آذربایجان به عنوان یک کشور مسلمان می تواند انزوای اسرائیل در خاورمیانه را با رابطه خود تحت تأثیر قرار دهد و قطعاً این مسئله برای آمریکا به عنوان بزرگترین پشتیبان اسرائیل در مناسباتش بی تأثیر نخواهد بود. از طرف دیگر اسرائیل در اتحادیه اروپا از نفوذ زیادی برخوردار است و احتمالاً در شبکه رسانه های جمعی برخی از این کشورها دارای نفوذ است. تمایل آذربایجان در ورود به ناتو که از اهداف بلندمدت این کشور در نزدیکی به غرب محسوب می شود با پتانسیل های دیپلماتیک آذربایجان و وجود بحران های ریشه دار در سیاست خارجی با موانع عدیده ای روبه رو است. (Boyajian, 2009) لذا برقراری ارتباط از طریق اسرائیل با ایالات متحده و حتی کشورهای اروپایی می تواند مسیر پیوستن آذربایجان به ناتو را هموارتر سازد و این در حالی است که اسرائیل نیز به علت موقعیت ژئوپلیتیک آذربایجان برای کشورش نیاز به حفظ روابط با آذربایجان دارد (Ibid) پس از 11 سپتامبر نیز، آذربایجان در جنگ علیه تروریسم به یکی از هم پیمانان آمریکا تبدیل و همکاری های امنیتی را با آمریکا انجام داد. آذربایجان یک کربودر هوایی را برای نیروی هوایی آمریکا در جنگ افغانستان و عراق ایجاد نمود و در ائتلاف به رهبری آمریکا نیز حضور یافت که این مسئله نیز در نزدیکی دو کشور آذربایجان و اسرائیل کمک بیشتری نمود و همکاری بیشتر دو کشور منجر به نزدیکی آذربایجان به اردوگاه غرب گردید. (ج) افزایش قدرت چانه زنی در مناقشه قره باغ کوهستانی

در یک نگاه اجمالی به مناقشه قره باغ، روسیه تعلق خاطر بیشتری به ارمنستان دارد و ارمنستان را مورد حمایت خود قرار داده است و گرجستان به صورت کشوری بی طرف تأثیرگذار نبوده است. مواضع ترکیه به مواضع آذربایجان نزدیک و ایران که از یک طرف سعی در اتخاذ مواضعی معتدل داشت و از طرف دیگر کمک های تأثیرگذاری به آذربایجان کرد از سوی برخی رسانه های غربی و نیز محافل آذری، طرفدار ارمنستان معرفی گردید، موقعیت آذربایجان و البته نوع نگرش دولت مردان آذری به گونه ای بود که آنان خود را در انزوا می دیدند و لذا در این میان تلاش نمودند با در پیش گیری نزدیکی به اسرائیل به افزایش قدرت چانه زنی خود کمک نمایند.

ابتدا اسرائیل و دولت جمهوری آذربایجان هر دو به واسطه مسائل استراتژیک، منفعی به هم پیوسته دارند (See: Abilov, 2009) و اتحاد با این کشور علی رغم ایجاد برخی مخالفت های داخلی پتانسیل هایی را به عنوان یک متحد دارای رابطه نزدیک با آمریکا برای آذربایجان ایجاد می کند. حضور اسرائیل در این کشور مورد مخالفت ایران قرار خواهد گرفت کما اینکه منجر به بروز اختلاف مابین دو کشور نیز گردیده است. (Arass, 1998: 74) اما این اختلاف با توجه به خواست ایران بر ثبات منطقه قفقاز جنوبی به مرحله تنش زایی نمی رسد (کولایی، 1389: 81) آذربایجان در صد است با استفاده از اهرم فشار حضور اسرائیل در مرزهای خود، ایران را متقاعد به همکاری کند کما اینکه این مسئله یعنی حضور اسرائیل مسائل امنیتی زیادی را برای ایران ایجاد خواهد کرد. (Abilov, 2009, 143) آذربایجان تلاش می کند از طریق اتحاد با اسرائیل روابط متعادل تری را با روسیه ایجاد کند کما اینکه روابط اسرائیل و روسیه پس از فروپاشی شوروی تقویت شده است (www. IsraelSeen. Com) و اصولاً برخی دیگر نیز معتقدند هدف کشورهای قفقاز جنوبی از ایجاد رابطه با اسرائیل، بخشی به خاطر کسب استقلال از روسیه است (Nichol, 2009: 2) که البته این مسئله به علت وزن سیاسی اسرائیل در برابر روسیه محتمل به نظر نمی رسد و گذشته از آن اسرائیل خود با روسیه دارای روابط استراتژیک می باشد (See: Razoux, 2002) و همین مسئله باعث می شود تا برای روسیه در سیاست خارجی خود اهمیت بیشتری نسبت به آذربایجان قائل شود و نهایتاً در رابطه خود با آذربایجان از اقدامی که منجر به خدشه دار شدن رابطه اش با روسیه گردد اجتناب کند و کماکان با استفاده از توان و امکانات خود منطقه را در چهارچوب نفوذ خود باقی گذارد (بیزدانی، 1386: 138) اما در بعدی دیگر اگر رابطه آذربایجان و اسرائیل را در چهارچوب کلی نزدیکی به غرب برای آذربایجان تفسیر کنیم این مسئله در رابطه با تلاش این کشور برای ایجاد یک هویت مستقل از سیطره روسیه در منطقه تا اندازه ای قابلیت مطرح شدن دارد و این در حالی است که

مقابله با نفوذ آمریکا، ترکیه و اسرائیل در این منطقه از منافع بلند مدت روسیه محسوب می شود (داداندیش، 1386: 92)

دنداش&؛ مدرنیزه کرده ارتش و تقویت بنیه نظامی کشور

در قفقاز جنوبی از لحاظ جغرافیایی بین دو کشور آذربایجان و ارمنستان وضعیت توپوگرافی به گونه ای است که آذربایجان در مناطق پست و کم ارتفاع و ارمنستان و قره باغ در مناطق کوهستانی قرار دارد و این مسئله باعث شده تا منطقه قره باغ اشرف کاملی به جلگه آذربایجان داشته باشد، این مسئله پتانسیل دفاعی آذربایجان را تضعیف نموده و این کشور را در مقابل حملات دشمن که در مناطق کوهستانی و صعب العبور قرار دارد آسیب پذیر می نماید. این مسئله نیاز به تقویت بنیه نظامی آذربایجان را دو چندان نموده است و به همین واسطه کشورهای بی طرفی که می توانند به این هدف آذربایجان کمک نمایند اهمیت دو چندان می یابند.

بنا بر گزارشی که در آژانس خبری ها آرتس منتشر شد اسرائیل و آذربایجان یک توافقنامه خرید و فروش سلاح را به امضاء رسانده اند. در این گزارش، به مبلغ این معامله اشاره ای نشده است که با توجه به معاملات نفتی بین دو کشور احتمالاً رقم قابل ملاحظه ای را به خود اختصاص داده است. (Mellman, 2008). البته در برخی از منابع، به این نکته اشاره شده که اسرائیل حتی اقدام به فروش موشک هایی چون استیگر نیز به آذربایجان نموده است.

(Bishku, 2009; 305)

برخی معتقدند که افزایش مبادلات نظامی آذربایجان و اسرائیل به دلیل حمایت های کمیته یهودیان آمریکایی (AJC) برای حمایت از آذربایجان می باشد. این گروه معتقدند که سفر ریاست کمیته فوق آقای دیوید هریس به آذربایجان به دعوت الهام علی اف موجب جلب حمایت این کمیته از سیاست های آذربایجان شده به طوری که هریس آذربایجان را نمونه ای از مذهب گرایی منعطف و الگویی برای کل جهان معرفی نموده و متعاقباً این گرایش به آذربایجان توسط AJC منجر به روابط نزدیک تر آذربایجان و اسرائیل و تبادلات نظامی که می بایست زمینه دوستی و همگرایی زیادی برای عقد چین قراردادهایی باشد شده است (Panarmenian, 2007) تقویت بنیه نظامی آذربایجان با توجه به روحیات ضد ارمنی در این کشور و روحیات ضد آذری در ارمنستان خطراتی را برای صلح در منطقه ایجاد می کند و این سناریو راحتی تداعی می کند که اسرائیل در چارچوب استراتژی نامن کردن ایران و ایجاد بی ثباتی در مرزهای شمال غربی ایران گام برداشته و به نوعی آذربایجان را به کانون ناامنی در کنار مرزهای ایران تبدیل کند که این تحلیل البته با توجه به عقلانیت موجود در پروسه سیاسی منطقه ضعیف و غیر محتمل به نظر می رسد.

و - اسرائیل و توسعه آذربایجان

اسرائیل نسبت به سرنوشت یهودیان در سراسر جهان حساس می باشد و به تبع آن آذربایجان نیز از این قاعده مستثنی نیست این اقلیت با جمعیتی در حدود 11 هزار نفر که اکثراً در باکو ساکن هستند برای اسرائیل از اهمیت زیادی برخوردار است. در این جمعیت حدود پنج هزار نفر از یهودیان اشکنازی ساکن است. این در حالی است که یهودیان اشکنازی معروف به نژادپرستی هستند. اسرائیل برای تقویت این اقلیت در آذربایجان سرمایه گذاری هایی نموده است که عمدتاً در رابطه با تجارت، صنعت و علی الخصوص کشاورزی است (www. Export. Gov. Il) آذربایجان از طریق این اقلیت می تواند به تکنولوژی های متوسط اسرائیلی دست یابد کما اینکه اسرائیل هم اکنون در آذربایجان از طریق این اقلیت پروژه های بزرگی در زمینه کشاورزی و بهبود سیستم آبیاری را برنامه ریزی نموده است. این مسئله به افزایش نسبی درآمد مناطق روستایی در آذربایجان کمک نموده و تولید ملی را در بخش کشاورزی افزایش داده است. در همین زمینه آذربایجان با طی پروسه توسعه از مشکلات داخلی عبور می نماید و تمامی امکانات خود را برای حل مناقشه قره باغ بسیج می کند.

ز - فروش نفت و مبادلات اقتصادی

با وجود اینکه خط لوله انرژی در قفقاز و امنیت این خطوط از اولویت های امنیتی امریکا در منطقه است (امیراحمدیان، 1388: 94) این فاکتور در سیاست آذربایجان نسبت به مسئله قره باغ به طور مستقیم تأثیرگذار نیست اما در افزایش قدرت و پتانسیل ملی آذربایجان مؤثر است. خط لوله باکو جبهان با تأثیر مستقیم غرب و آمریکا در پروسه ساخت این خط لوله باعث کاهش نقش ژئوپلیتیک ایران برای انتقال نفت منطقه بود (ولی قلی زاده، 1387: 36) و هم اکنون اسرائیل دومین وارد کننده نفت از آذربایجان پس از ایتالیا است که میزان مبادلات، به بیش از 1/3 میلیارد دلار رسیده است. (Abilov, 2009 : 145) و این در حالی است که برخی دیگر از آمارها از 3/5 میلیارد دلار توافق برای مبادلات خبر می دهند. (HoffingtonPost, 2010) گذشته از این اسرائیل هم اکنون 80٪ نفت خود را از روسیه خریداری می کند که این با سیاست های اسرائیل و آمریکا هماهنگ نیست و در این بین خط لوله باکو تفلیس جبهان (BTC) در این پروسه بسیار مورد توجه غرب قرار گرفته است. (Escribano, 2009:12) و مسائل امنیتی مبتلا به اسرائیل و موقعیت این کشور در خاورمیانه نیز به اهمیت این رابطه افزوده است (See: Murinson, 2008 : 47-64) بر مبنای همین تحلیل، افزایش مراودات اقتصادی علی الخصوص نفتی باعث افزایش وابستگی متقابل دو کشور می گردد که این مسئله منجر به نفوذ بیش از پیش اسرائیل در آذربایجان گردیده و همین مسئله خود را در سفر مقامات اسرائیلی به آذربایجان در سال 2008 و تأکید آنها بر بعد استراتژیک روابط اقتصادی دو کشور نشان داد.

نتیجه گیری

اختلافات قومی یکی از عوامل بی ثباتی در سراسر کره زمین بوده و در تمامی طول تاریخ به اشکال مختلف خود را نشان داده است. مفهوم غیریت یا خودی و دیگری اساس این اختلاف است و تقریباً در میان تمامی ملل با سطوح مختلف توسعه یافتگی نیز دیده می شود. هم اکنون در اروپا نیز این مسئله به اشکال مختلف وجود دارد. برای مثال در چارچوب هویتی مشترک به نام ایتالیایی شمال و جنوب این کشور به تعریفی متفاوت از خود دست یافته اند و عمدتاً ایتالیایی های ساکن شمال، جنوبی ها را آفریقایی می نامند، که البته این مثال نوع رقیق مسئله است تا چه رسد به جدایی طلبان باسک و ایرلند شمالی که دست به اقدامات خشونت بار نیز زده اند.

همان طور که مشاهده شد ریشه اختلافات قومی در مسائل هویتی انسانی است و چندان رابطه زیادی به توسعه یافتگی ندارد، در واقع توسعه می تواند عناصر مشترک جدید برای باز تعریف نمودن هویت را به اقوام متفاوت ارائه کند اما باز دلیل قاطع برای از بین رفتن مسائل هویتی نیست. در منطقه قفقاز جنوبی نیز مسئله قومیت و اختلاف در تفسیر از هویت عامل ایجاد مناقشه قره باغ شده که منجر به جنگ و تغییر جغرافیای سیاسی منطقه گردیده است. در این مناقشه که با جدایی مناطقی از آذربایجان به صورت موقت خاتمه یافت منطقه قره باغ کوهستانی که دارای اقلیت ارمنی بود به اشغال ارمنستان درآمد که البته از این رهگذر مناطقی نیز که اکثریت آذری در آن سکونت داشت نیز به اشغال درآمد است.

آذربایجان به عنوان کشوری که تمامیت ارضی اش خدشه دار شده همواره به دنبال تغییر وضع موجود بوده و سعی دارد تا به سیاست اشغال ارمنستان در این مناطق خاتمه دهد و این مسئله مهمترین دغدغه جامعه آذربایجان است. در چنین وضعیتی دستگاه دیپلماسی این کشور به دنبال جلب متحدانی برای حمایت از حق مشروع خود در بازپس گیری این مناطق بوده و به دنبال نیل به این هدف غرب به کانون توجه این سیاست تبدیل گردید.

اسرائیل به عنوان کشوری که از متحدان غرب محسوب می گردد و از لحاظ جغرافیایی نیز به آذربایجان نزدیک است همواره در سیاست خارجی آذربایجان از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است. این کشور علاوه بر مسائل فوق به دلیل انزوای احتمالی از سوی کشورهای اسلامی و اعراب در خاورمیانه و بر اساس دکترین بن گورین نیز برای ایجاد رابطه با آذربایجان مشتاق بود مضافاً اینکه اقلیت قابل توجهی مخصوصاً با نژاد اشکنازی در این کشور زندگی می کند. به همین خاطر پتانسیل دو طرف برای تعمیق رابطه در زمانی کوتاه بالا بوده و این مسئله رابطه دو کشور را به سطح استراتژیک ارتقاء داده است.

با توجه به اهمیت مناقشه قره باغ در سیاست خارجی آذربایجان، این کشور از سیاست افزایش رابطه با اسرائیل اهدافی را دنبال می نماید که این اهداف همچون استفاده از لابی یهودیان آمریکا، افزایش توان چانه زنی در مذاکرات، نزدیکی به غرب، کمک های اقتصادی و عقد قراردادهای تسلیحاتی را شامل می شود که می توان عناصر فوق را در چارچوب اهداف آذربایجان در مناقشه قره باغ تحلیل نمود.

البته رابطه با اسرائیل برای آذربایجان با موانعی نیز روبه رو است که می تواند تبعات سنگینی را برای این دولت در پی داشته باشد. در اولین تأثیر آن بی شک ایجاد شکاف بین مردم و دولت است، چرا که مردم آذربایجان با اکثریت مطلق مسلمان و شیعه نسبت به سرنوشت فلسطین و مسلمانان آن کشور حساس هستند و ایجاد رابطه با اسرائیل قطعاً تبعاتی را در جهت تضعیف مشروعیت دولت در پی خواهد داشت. تأثیر بعدی تخریب رابطه ایران و آذربایجان است که این مسئله با توجه به عمق رابطه مردمی دو کشور و مبادلات سیاسی و اقتصادی بالا با دولت ایران در تضاد با منافع بلند مدت آذربایجان خواهد بود و سومین مسئله تخریب چهره آذربایجان در جهان اسلام و دنیا است چرا که هر گونه حمایت از اسرائیل در نزد افکار عمومی خصوصاً در سال های اخیر به نوعی موافقت با اقدامات ضد حقوق بشری این کشور است.

سؤال اصلی تحقیق این بود که "آذربایجان از ایجاد رابطه با اسرائیل در سیاست خارجی اش به دنبال چه منافع در تحقق اهدافش در مناقشه قره باغ است؟" در جواب این سؤال نگارندگان نقش فاکتور موجود در متن را مورد بررسی قرار دادند که عبارتند از استفاده از لابی یهودیان آمریکا، نزدیکی به غرب، افزایش قدرت چانه زنی در مناقشه قره باغ، مدرنیزه کردن ارتش و تقویت بنیه نظامی کشور، فروش نفت و مبادلات اقتصادی و کمک های اسرائیل و توسعه آذربایجان بود که اگر چه در مورد آخر در ارتباط مستقیم با مناقشه قره باغ نیست اما آن را می توان در راستای مناقشه قره باغ مورد تامل قرار داد.

آذربایجان در صدد است تا به وسیله پتانسیل های ایجاد شده از رابطه با اسرائیل ظرفیت خود را در چانه زنی بر سر مناقشه قره باغ افزایش دهد که با توجه به فاکتورهای بررسی شده در متن قابل تعمق است. از طرفی جمهوری آذربایجان ایجاد رابطه با اسرائیل را در چارچوب استراتژی نزدیکی به غرب دنبال می کند که این موضوع نیز در یکی از بخشها مورد بررسی قرار گرفت. البته اهداف دیگر آذربایجان در رابطه با تقویت روابط با اسرائیل نیز بررسی شد.

در انتها می بایست عنوان شود که آذربایجان اگر چه از فراخور رابطه با اسرائیل منفعت هایی را کسب می کند اما بی شک با هزینه ای به مراتب کمتر می تواند به تمامی اهداف ذکر شده از طریق تقویت همکاریها با ایران دست یابد که مضرات رابطه با اسرائیل را هم نداشته باشد و این در حالی است که ایران به دلیل مشکلاتش در سیاست خارجی با غرب و نیز به دلیل اشتراکات عمیق با جمهوری آذربایجان آماده تعمیق رابطه خود با این کشور می باشد.

## منابع فارسی:

امیراحمدیان، بهرام، (1388) بررسی علل و پیامدهای حضور ایالات متحده در قفقاز، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک تهران  
بهرامی، محمد باقر (28 شهریور 1389)، نقش جمهوری اسلامی ایران در تحولات اخیر منطقه قفقاز جنوبی و حل و فصل مناقشه قره باغ، سمینار جمهوری آذربایجان تجارب پیشین، چشم اندازهای فرارو، تهران دانشگاه تهران

داداندیش، پروین، (1386) گفتمان ژئوپلیتیک در آسیای مرکزی: عرصه تعامل ایران و روسیه، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک تهران

دهقان طرز جانی، محمود، (1379)، روابط خارجی ایران و همسایگان در دهه دوم انقلاب، تهران، نشر سروش

کولایی، الهه، (1389) جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک تهران

ولی قلی زاده، علی، زکی، یاشار (1387) بررسی و تحلیل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران برای کشورهای CIS،

فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک تهران

یزدانی، عنایت الله، نویسرکانی، مجتبی، مرادی، سوسن (1386) تبیین ژئوپلیتیکی رقابت قدرت مطالعه موردی: اوراسیای مرکزی در بازی بزرگ جدید، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک تهران

منابع انگلیسی:

- Abilov, Shamkhal (2009), The Azerbaijan-Israel Relation : A Nondiplomatic, But Strategic Partnership, OAKA Institution Vol 4 No 8 DOI: 10.1080/1475355042000250548, 2004 Taylor & Francis Ltd
- Aras, B. (Jan. 1998), &lsquo;Post-Cold War Realities: Israel&rsquo;s Strategy in Azerbaijan and Central Asia&rsquo;, Middle East Policy, Vol.5, No.4
- Boyajian , David ,(28 September 2009) , The Coming Russian Defeat in the Caucasus , Published in Keghart.com
- Escribano ,Gonzalo ,(2009), Energy Security and Prospects for EU-Israel Cooperation , Available at <http://www.macro.org.il/lib>
- Fact Sheet Russia-Israel Relations July 30, 2010 available at [www.IsraelSeen.com](http://www.IsraelSeen.com)
- [http://www.keghart.com/Editorial\\_Lobby](http://www.keghart.com/Editorial_Lobby)
- Huffington Post , (March 23 2010) , Azerbaijan And Israel: Not A Typical Relationship , available at [http://www.huffingtonpost.com/jason-katz/azer\\_baijan\\_and-israel-not\\_b\\_509229.html](http://www.huffingtonpost.com/jason-katz/azer_baijan_and-israel-not_b_509229.html)
- ICG.( September 14, 2005.) Nagorno-Karabakh: Viewing the Conflict from the Ground
- Lenk ,Arthur ,(27 june2007) &ldquo;Azerbaijan and Israel Have Strategic Relation&rdquo; APA Avilable at <http://en.apa.az.news.php>
- Melman, Yossi (20 September 2008) &ldquo;Israel and Azerbaijan close multi Dollar Deal &ldquo;Haatz
- Murinson , Alexander, (September 2008), Azerbaijan-Turkey-Israel Relation: The Energy Factor , Middle East Review of International Affairs, Vol. 12, No. 3
- Nichol, jim (2009) , Armenia, Azerbaijan, and Georgia: Security Issues and Implications for Us. Interests. Congressional Research Service 1-5700 available at [www.CRS.Gov](http://www.CRS.Gov)
- PanArmenian Net, (16 October, 2007) , Israel selling weapons to Azerbaijan fuels possibility of new war , Published in Keghart.com
- Raz aux , Pierre, (November 2008) , The key to understanding the Israel &ndash; Russia Relation ship, Research Paper , Research Division &ndash; NATO Defense collage, Rome, No. , 42
- [www.Export.Gov.II/Eng/Article/Article.Asp](http://www.Export.Gov.II/Eng/Article/Article.Asp)
- Studing about the strategy of Israel and Azarbaijan in frameworks of Nagorno-karabakh conflict
- \*این مقاله در فصلنامه شماره 30 و 31 آران به چاپ رسیده است.